



علل و عوامل ایجاد بن بست در مذاکرات کُردستان

رضا صادقی*

<p>پیدایش بحران در ناحیه‌ی کُردنشین ایران در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی موجب گردید مقدار زیادی از توان نظام در حال شکل گیری، صرف کنترل این بحران شود و از سرایت آن به سایر قومیت‌ها جلوگیری گردد. به همین منظور با آغاز اولین جرقه‌ها در کردستان، بلافاصله از سوی حضرت امام خمینی^(ع)، دولت موقت و سپس شورای انقلاب هیأت‌هایی برای مذاکره، به کُردستان فرستاده شدند. اما گروه‌ها و احزاب با سابقه یا جدیداً پدیدار شده که برخی از آنان تحت تأثیر گروه‌های فعال در سراسر ایران قرار داشتند، فقط خودمختاری و سلاح را می‌شناختند و با دستیابی به اسلحه و مهمات فراوان و سازماندهی نظامی هواداران، به راهکارهای دولت مرکزی برای پیشنهاد خودگردانی اهمیتی نمی‌دادند. به طوری که چند مرحله مذاکره در کُردستان به نتیجه‌ای نرسید و راهی برای نظام جز مقابله با گروه‌ها برای برقراری امنیت در کُردستان باقی نماند.</p> <p>اکنون که سال‌ها از آن دوره می‌گذرد و برخی احزاب و گروه‌های کُرد، سلاح بر زمین گذاشته‌اند به گونه‌ای از آن دوره برای نسل جوان صحبت می‌کنند که انگار آنان از ابتدا صلح طلب و خواهان مذاکره بوده‌اند و نظام بدون توجه به راه حل‌های گوناگون، با انتخاب روش نظامی، جنگ طلبی کرده است. در این مقاله حوادث و وقایع ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مرور شده تا عملکرد واقعی گروه‌ها و احزاب در آن دوره معلوم گردد و علل و عوامل به بن بست رسیدن مذاکرات در کُردستان و چرایی وقوع جنگ در آن منطقه مشخص شود.</p> <p>واژه‌های کلیدی: امام خمینی^(ع) - هیئت حسن نیت - کردستان - مذاکرات - کومله - سپاه و ارتش</p>	<p>چکیده</p>

مقدمه

تحمیل کرد و حمله‌ی وحشیانه به کُردستان نمود و خلق کُرد مجبور بود که از موجودیت خودش دفاع بکنند و آن‌ها بودند که جنگ‌افروزی کردند و جنگ را به ما تحمیل نمودند...^(۱)

این موضوع که رهبران سیاسی - مذهبی کُردستان در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، خواهان مذاکره برای تعیین راه حل کُردستان بودند اما جمهوری اسلامی آن را نپذیرفته است، هر از گاهی از سوی فعالان سیاسی ناحیه‌ی کُردنشین ایران تکرار شده و می‌شود و ممکن است نسل جوان کشور که از وقایع آن دوره اطلاع کافی ندارند این ادعاهای مکرر را

شیخ عزالدین حسینی (۱۳۸۹. ۱۳۰۰)، امام جمعه‌ی مهاباد، در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۵۹ در پاسخ به خبرنگار نشریه‌ی "خبرنامه مازنداران چریک‌های فدایی خلق" درباره‌ی این که: چه عواملی خلق کُرد را وادار کرد که وسیعاً دست به مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی بزنند؟ می‌گوید:

"خلق کُرد مانند سایر خلق‌های ایران می‌خواست از راه مذاکره و راه سیاسی به حق خودش برسد، که حق خودمختاری در چهارچوب ایران است و در این باره تلاشی زیاد شد که از این راه مسأله حل شود، ولی این جمهوری اسلامی بود که این جنگ را به ما

* پژوهش‌گر و نویسنده دفاع مقدس

در ۳۰ بهمن دو هیأت به طور هم زمان از سوی حضرت امام خمینی^(ره) (۱۳۶۸. ۱۲۸۱) به ریاست دکتر محمد مکرری (۱۳۸۶. ۱۳۰۵) و دیگری از سوی دولت موقت به ریاست آقای داریوش فروهر (۱۳۷۷. ۱۳۰۷) به منطقه اعزام شدند. در ملاقات آقای فروهر با آقایان عزالدین حسینی، عبدالرحمن قاسملو (۱۳۶۸. ۱۳۰۹) و غنی بلوریان (۱۳۸۹. ۱۳۰۳) در مهاباد، اشغال پادگان، مورد اعتراض آقای فروهر قرار گرفت. آنان با زیرکی مطرح کردند که در پادگان افراد انقلابی علیه فرماندهان و مسئولان طاغوتی و وابسته به رژیم گذشته شورش کرده‌اند و ما دخالتی در این اقدام نداشته‌ایم و سپس شایعه استقلال‌طلبی اکراد را رد کردند.^(۲)

گروه‌ها در اقدامی هم‌زمان با حضور نمایندگان اعزامی در مهاباد، یک گردهمایی در روز دوشنبه ۳۰ بهمن ماه در شهر مهاباد برگزار کردند و گروهی تحت عنوان «نمایندگان شوراهای انقلابی اعزامی از شهرهای کُردستان ایران» قطع‌نامه‌ای را در ۸ ماده خواندند و سپس آن را به آقای فروهر، سرپرست نمایندگان دولت موقت، تسلیم کردند. در این قطع‌نامه از دولت خواسته شده بود:^(۳)

«۱- خلق کُرد همراه و همگام با سایر خلق‌های ایران، انقلاب ایران را تأیید می‌نمایند و تصمیم دارد با تحکیم پیوند مبارزاتی با سایر خلق‌های ایران در ایجاد جامعه‌ی آزاد و آباد آینده نقش اساسی ایفا کند.

۲- خلق کُرد مانند سایر خلق‌های ایران، خواهان رفع ستم ملی و تأمین حق تعیین سرنوشت خود به صورت فدراتیو در چهارچوب کشور ایران می‌باشد و هر گونه اتهام تجزیه‌طلبی را رد می‌کند و از دولت موقت آقای مهندس بازرگان، می‌خواهد که وضع خود را در قبال این خواست رسماً اعلام دارد.

۳- ما بر آن هستیم که زحمت‌کشان ایران، سهم

باور کنند و تصور نمایند واقعاً این افراد خواهان مذاکره بوده و جمهوری اسلامی به درخواست آنان، توجهی نکرده است. مرور حوادث و وقایع آن دوران، نشان می‌دهد نظام برای حفظ آرامش در کُردستان و اهمیت به خواست مردم، تلاش گسترده‌ای را در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی انجام داده است، اما رهبران مذهبی و سیاسی کُردستان، تحت تأثیر گروه‌های مارکسیست تندرو (کومله و چریک‌های فدایی خلق)، به این تلاش‌ها پاسخ مثبت ندادند و با حملات مستمر به مراکز اداری، نظامی و انتظامی برای فشار وارد نمودن به مسئولان نظام و زیاده خواهی‌های ناشی از توهم قدرت، مذاکرات را با شکست مواجه کردند.

مرور مذاکرات بین نمایندگان نظام و فعالان سیاسی - مذهبی کُردستان در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸ و به ویژه مذاکرات هیأت حسن نیت، نشان می‌دهد چه علل و عواملی موجب شدند تا مذاکرات در ناحیه‌ی کُردنشین ایران به نتیجه نرسد و فقط راهکار مقابله با گروه‌ها برای برقراری امنیت در ناحیه‌ی کُردنشین، در برابر جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرد.

مذاکره‌ی اول:

یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۹ بهمن ۱۳۵۷، گروه‌های فعال در مهاباد با برنامه‌ای از قبل طراحی شده، با تحریک برخی طرفداران فعال در پادگان، شورش در پادگان تیپ ۳ مهاباد به راه انداختند که منجر به خلع سلاح فرماندهان، مسئولان و پرسنل غیر وابسته گردید و کنترل پادگان کاملاً در اختیار این افراد قرار گرفت و سلاح و تجهیزات پادگان، از جمله ۱۳ دستگاه تانک، چندین عراده توپ، ده‌ها قبضه خمپاره‌انداز، تیربار و آر.پی. جی. هفت و صدها قبضه اسلحه‌ی سبک، به همراه مهمات آن‌ها غارت شد.



عبدالرحمن قاسملو (نفر وسط)

اساسی را در انقلاب ایران ادا کرده‌اند و به همین جهت حق مسلم زحمت‌کشان و کارگران و دهقانان است که در دولت انقلابی شرکت داشته باشند.

۴- گُردستان ایران ضمن دارا بودن منابع دست نخورده فراوان، یکی از عقب افتاده‌ترین مناطق ایران است. بنابراین رفع ستم

اقتصادی، یکی از خواست‌های اساسی است.

۵- همه پادگان‌ها در گُردستان باید تحت نظر شورای انقلابی اداره شود و بدین منظور باید یک کمیته‌ی مشترک نظامی از افسران میهن‌پرست و نمایندگان شورای انقلابی تشکیل گردد.

۶- افسران جنایتکار که دستور تیراندازی داده و موجب شهادت فرزندان خلق شده‌اند، باید تحویل دادگاه انقلابی خلق گردند و به منظور تبدیل ارتش ارتجاعی به ارتش خلقی باید ارتش از عناصر ضد انقلابی تصفیه گردد.

۷- همه نمایندگان حاضر که نماینده‌ی شهرستان‌های گُردنشین هستند، اعلام می‌دارند که حضرت آیت الله سید عزالدین حسینی، صلاحیت دارند در رأس هر هیأتی قرار بگیرند و از طرف خلق گُرد با دولت مرکزی مذاکره نمایند و دستگاه رهبری انقلاب و دولت موقت را از مذاکره و تماس با عناصر ارتجاعی گُرد، برحذر می‌دارند.

۸- از آن‌جا که «ملا مصطفی بارزانی» و گروه معروف به «قیاده موقت» عمال سازمان سیای

آمریکا و ساواک ایران و «میت» ترکیه بوده‌اند و می‌باشند و مورد نفرت تمام خلق گُرد هستند. لذا از دولت انقلابی می‌خواهیم هر نوع ارتباط و تماس با این دار و دسته قطع گردد و رهبران خائن آن‌ها از ایران اخراج شوند، بدون آن‌که این سیاست به وضعیت خانواده‌های پناهنده بی‌بضاعت لطمه‌ای وارد آورد.»

مفاد این قطع‌نامه علاوه بر آن که صحت شایعه‌ی مذکور را تأیید می‌کرد، بیانگر آن بود که گروه‌های گُرد و برخی متنفذین محلی درصدد بودند در اوضاع آشفته پس از پیروزی انقلاب، به جای تعقیب اهداف و آرمان‌های اسلامی و ملی برای تعیین نظام جدید و تصویب قانون اساسی، با تحریک احساسات مردم گُرد در جهت اهداف قومی، محلی و تضعیف دولت مرکزی گام بردارند.

هیأت‌های اعزامی از ۳۰ بهمن تا ۲ اسفند از شهرهای مهاباد، پیرانشهر و نقده بازدید کردند و پیام امام خمینی^(۳) را برای مردم گُردستان و متنفذین مذهبی و سیاسی قرائت نمودند تا مانع از بروز آشوب و بحران در ناحیه‌ی گُردنشین شوند.^(۴)

و پسرش حشمت رحمان پور کشته و دو نفر هم مجروح شدند.

پس از آن، گروه‌های مخالف مردم را به مسلح شدن تشویق کردند. تعداد زیادی از هواداران، گروه‌ها و مردم به پادگان‌های ارتش و ژاندارمری واقع در شهر سنندج روی آوردند تا مسلح شوند. پادگان ارتش مقاومت کرد و از دادن اسلحه به مردم خودداری کرد. اما مهاجمان پادگان ژاندارمری را خلع سلاح کردند و سپس به کمیته‌ی صفدری، صدا و سیما، فرودگاه و چند مرکز دولتی نیز حمله نمودند. این آشوب پنج شبانه‌روز ادامه داشت و حدود صد نفر کشته و بیش از پانصد تن مجروح شدند.^(۱)

در چهارشنبه اول فروردین ۱۳۵۸ هیأتی از سوی حضرت امام خمینی^(۲) برای رسیدگی به علل بروز حادثه و برقراری امنیت، وارد سنندج شد. مسئولیت این هیأت به عهده‌ی آیت‌الله طالقانی (۱۳۵۸. ۱۲۸۹) بود و آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی (۱۳۶۰. ۱۳۰۷)، عضو شورای انقلاب، حجت الاسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی (۱۳۱۳)، عضو شورای انقلاب، ابوالحسن بنی‌صدر (۱۳۱۲)، عضو شورای انقلاب و دکتر احمد صدر حاج سیدجوادی (۱۲۹۶)، وزیر کشور، اعضای آن بودند. این هیأت پس از سه روز مذاکره با گروه‌های سیاسی و نمایندگان مردم و مسئولان دستگاه‌های دولتی در سنندج، توافقاتی با متنفذین محلی به عمل آورد و اطلاعیه‌ای را در ۷ ماده، برای برقراری امنیت و آرامش در سنندج منتشر کرد.^(۳) هیأت مزبور حتی برای نشان دادن حُسن نیت دولت مرکزی نسبت به مردم گُردستان، سرلشکر محمولی قرنی (۱۳۵۷. ۱۲۹۲) رئیس ستاد ارتش را که با هیأت اعزامی همکاری نکرده بود، از کار برکنار و سرلشکر ناصر فرید را به جای وی منصوب کرد.^(۴)

پس از آن، دکتر اسماعیل اردلان از سوی مهندس بازرگان (۱۳۷۳. ۱۲۸۶)، نخست‌وزیر دولت موقت، به عنوان نماینده‌ی فوق‌العاده‌ی دولت تعیین شد تا به استان‌های آذربایجان غربی، گُردستان و کرمانشاه عزیمت و به استانداری‌ها، فرمانداری‌ها، پادگان‌ها و ادارات دیگر سرکشی نماید و با اهالی منطقه ملاقات و تبادل نظر کرده و با توجه به اصول انقلاب و سیاست عمومی و رعایت و خواست‌های مشروع مردم، دستورهای لازم را صادر و نتیجه را به نخست‌وزیر گزارش نماید.^(۵)

مذاکره‌ی دوم:

پس از پیروزی انقلاب، در سنندج، دو کمیته‌ی انقلاب اسلامی جداگانه به مسئولیت ماموستا احمد مفتی‌زاده (۱۳۷۱. ۱۳۱۱)، روحانی اهل سنت و حجت الاسلام صفدری، روحانی شیعه، تشکیل شد. آقای مفتی‌زاده دائماً در تلاش بود تا کمیته‌ی آقای صفدری جمع‌آوری شود و کمیته‌ای تحت نظر ایشان مسئولیت برقراری امنیت در

مهاجمان پادگان ژاندارمری را خلع سلاح کردند و سپس به کمیته‌ی صفدری، صدا و سیما، فرودگاه و چند مرکز دولتی حمله نمودند. این آشوب پنج شبانه‌روز ادامه داشت و حدود صد نفر کشته و بیش از پانصد تن مجروح شدند

شهر سنندج را برعهده داشته باشد. آقای مفتی‌زاده، در پی ناکامی برای تحقق این هدف، در روز یکشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۵۷، تعدادی از پاسداران کمیته‌ی تحت نظر خود را برای دریافت سلاح و مهمات به کمیته‌ی صفدری اعزام کرد و هنگامی که موفق به دریافت مهمات مورد تقاضا نشد، شایعه‌ی انتقال سیلوی گندم سنندج به تهران در شهر منتشر گردید، در حالی که این شایعه، صحت نداشت. مردم و بازاریان در استانداری تحصن کردند که منجر به درگیری شد و شاطر محمد رحمان پور، معاون کمیته‌ی صفدری

همراهی نیروهای سپاه و کمیته‌ی انقلاب اسلامی در روز یکشنبه به نقده اعزام شوند. مهاجمان مسلح با مشاهده‌ی ستون اعزامی، در نقاط مختلف مسیر و شهر به نیروهای ارتش تیراندازی کردند. اما ستون اعزامی موفق شد وارد نقده شود. مهاجمان به روستاهای اطراف متواری شدند و درگیری در روستاهای اطراف شهر در روزهای دوشنبه و سه شنبه ادامه یافت.^(۱۲)

به دلیل حمل برخی اجساد به روستاها و شهرهای اطراف، آمار دقیقی از کشته شدگان و مجروحان این حادثه منتشر نشد. اما اسامی ۷۰ کشته و ۲۹۰ گروگان از طرفین به طور رسمی اعلام شد. همچنین حدود دو هزار خانه مورد سرقت و غارت اموال قرار گرفت.^(۱۳)

درمورد درگیری بین گُردها و تُرک‌ها در نقده، ۷۰ کشته و ۲۹۰ گروگان از طرفین به طور رسمی اعلام شد. همچنین حدود دو هزار خانه مورد سرقت و غارت اموال قرار گرفت

پس از این حادثه، نمایندگان حزب دمکرات کُردستان ایران در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸ در قم با امام خمینی^(۱۴) و آقای شریعتمداری (۱۳۶۵-۱۲۸۴) دیدار جداگانه داشتند تا اسناد و مدارکی را از رویداد نقده و مقصر نبودن حزب دمکرات، ارائه دهند. جلیل گادانی، یکی از نمایندگان حزب، در

گفت‌وگو با روزنامه‌ی آیندگان، مذاکرات را آمیخته با حُسن‌نیت و تفاهم توصیف کرد و گفت: «در آینده‌ی نزدیک هیأتی از سوی امام خمینی^(۱۵) اعزام نقده خواهد شد تا مسایل منطقه را مورد بررسی قرار دهد.» وی در مورد نتیجه دیدار با آقای شریعتمداری نیز اظهار داشت: «که آقا قول داد از نفوذ معنوی خود برای ایجاد آرامش در نقده و برقراری احساسات برادری هر چه بیشتر در میان ترک‌ها و کُردها استفاده کند.»^(۱۶) علی‌رغم تلاش حزب دمکرات برای مقصر نشان

مذاکره‌ی سوم:

علاوه بر این، هیأت هشت نفری حزب دمکرات به ریاست دکتر قاسملو، دبیرکل حزب دمکرات کُردستان ایران به قم آمدند و با امام خمینی^(۱۷) ملاقات کردند. در مذاکرات ۴۵ دقیقه‌ای این هیأت با امام خمینی^(۱۸)، پیرامون اوضاع جاری کُردستان گفت‌وگو شد. دکتر قاسملو، مذاکرات هیأت را رضایت‌بخش خواند و گفت: «برای رفع سوء تفاهم‌ها و کوتاه کردن دست عمال مزدور و خائنین به میهن قرار شد فردا با مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت اسلامی ملاقات و مذاکره شود و نکات فنی و مسائل کُردستان با ایشان در میان گذارده شود و برای رفع مشکلات در این منطقه اقدام گردد.»^(۱۹)

مذاکره‌ی چهارم:

در روز جمعه ۳۱ فروردین ۱۳۵۸، حزب دمکرات مراسمی با شرکت حدود ۲۰ هزار مسلح (از طرفداران ساکن در شهرهای کُردنشین) در نقده برگزار کرد. در این مراسم، عده‌ای در بین جمعیت تیراندازی کردند و افراد مسلح در نقاط مختلف شهر پراکنده شدند و با سنگر گرفتن به تیراندازی ادامه دادند. این حادثه به مرور به درگیری بین اکراد و آذری‌های ساکن نقده تبدیل شد و کوشش روحانیون شیعه و سنی نقده و اقدامات روحانیون ارومیه و مهاباد برای قطع درگیری‌ها نتیجه‌ای نداشت.^(۲۰)

با ادامه یافتن درگیری‌ها در روزهای بعد و خروج مردم آذری و کُرد از شهر، وزارت کشور هیأتی را برای رسیدگی به مسایل نقده اعزام کرد و طی اطلاعیه‌ای اعلام نمود: چنانچه درگیری بین اکراد و آذری‌ها در نقده تا ساعت ۴ بعدازظهر روز یکشنبه پایان نپذیرد، ارتش مأموریت خواهد یافت تا با اعزام نیرو به نقده، امنیت را در این شهر برقرار کند.^(۲۱) عدم توجه گروه‌های شورشی به این هشدار موجب گردید، یگانی از لشکر ۶۴ ارومیه به فرماندهی سرهنگ قاسمعلی ظهیرنژاد (۱۳۷۸-۱۳۰۳) و به

۴- هم زمان با اقدام فوق، در ۲۷ تیر ۱۳۵۸ شورشیان ۱۲ نفر از اعضای جهاد سازندگی ارومیه را که برای خدمت رسانی به روستاها رفته بودند، به گروگان گرفتند و ۵ نفر از جوانمردان ژاندارمری را به اسارت درآوردند.^(۱۸)

۵- در اوایل مرداد ماه ۱۳۵۸، ده نفر از اعضای جهاد سازندگی مهاباد دستگیر و زندانی شدند.^(۱۹)

۶- در اواخر مرداد ماه ۱۳۵۸، گروه‌های شورشی، تعداد زیادی از پاسداران بومی و اعزامی به پاره را به همراه دکتر مصطفی چمران (۱۳۶۰. ۱۳۱۱) محاصره کردند و در ۲۵ مرداد ۱۳۵۸ سرهای ۴۴ پاسدار و ارتشی را در حالی که ۱۸ نفرشان مجروح و در بیمارستان بستری بودند، بریدند. امام خمینی^(۲۰) که تا این زمان تلاش می‌کرد بحران مناطق کُردنشین با تدابیر گوناگون کنترل شود در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ به دولت و نیروهای نظامی - انتظامی دستور دادند به کمک محاصره شدگان بشتابند و امنیت را در کُردستان برقرار کنند.^(۲۱) جنایات پی در پی گروه‌ها در ناحیه‌ی کُردنشین چنان نفرتی در مردم و نیروهای مسلح ایجاد کرده بود که به محض صدور دستور امام برای نجات محاصره‌شدگان در پاره، یگان‌های ارتش، نیروهای سپاه، ژاندارمری و کمیته‌ی انقلاب اسلامی به همراه مردم به سمت کُردستان حرکت کردند تا امنیت را به منطقه بازگردانند. بدین ترتیب تمامی شهرهای کُردنشین که در کنترل گروه‌های شورشی بود از تسلط آنان خارج شد. در این زمان ارتش به تصور آن که با فرار شورشیان به مناطق کوهستانی یا کشور عراق، امنیت به ناحیه‌ی کُردنشین کشور بازگشته است؛ به یگان‌های ارتش دستور داد به پادگان‌ها بازگردند و پاکسازی بقیه‌ی مناطق را به عهده ژاندارمری گذاشت. واحدهای ژاندارمری که توانایی ادامه‌ی مأموریت تا برقراری امنیت کامل

ندادن حزب در فاجعه‌ی نقده، فعالیت‌های بعدی گروه‌ها نشان داد که آنان مترصد فرصت هستند و به محض دستیابی به آن، از انجام هر گونه عملیات نظامی و درگیری فروگذاری نمی‌کنند. از جمله:

۱- افراد حزب دمکرات با همکاری نیروهای اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق به رهبری جلال طالبانی (. ۱۳۲۱) در ۴ تیر ۱۳۵۸ به روستاهای محل اسکان عشایر منگور به بهانه‌ی همکاری آنان با جمهوری اسلامی حمله کردند تا آنان را خلع سلاح کنند. در این هجوم تعدادی از منگوریان کشته و ۲۳ نفر نیز به اسارت درآمدند و منازل آنان هم غارت شد.^(۲۲)

۲- اتحادیه‌ی کشاورزان کُردستان که بعداً به «کومله» تغییر نام داد با همکاری چریک‌های فدایی خلق و اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق در ۲۳ تیر ۱۳۵۸ تظاهراتی با ۳۰۰ فرد مسلح در مریوان برپا کردند و در پایان خواستار خروج ۲۵ پاسدار مشغول خدمت در این شهر شدند. هنگامی که نیروهای سپاه این

درخواست را نپذیرفتند، آنان به پایگاه سپاه حمله کردند و ۱۷ نفر را شهید و ۸ نفر را مجروح نمودند و ساختمان سپاه را تصرف کردند.^(۲۳)

۳- گروه‌های شورشی در ۲۷ تیر ۱۳۵۸ به ستون در حال اعزام به مرز سرو در گردنه‌ی نازلو حمله کردند و ۳ نفر از پرسنل ژاندارمری را شهید و ۵ نفر را مجروح نمودند. این حمله به قدری شدید بود که باقیمانده‌ی افراد ستون نتوانستند به ارومیه بازگردند و با کسب اجازه از مسئولان استان، پس از شکستن حلقه‌ی محاصره وارد خاک ترکیه شدند.^(۲۴)

فعالیت‌های بعدی گروه‌ها نشان داد که آنان مترصد فرصت هستند و به محض دستیابی به آن، از انجام هر گونه عملیات نظامی و درگیری فروگذاری نمی‌کنند



شیخ عزالدین حسینی در میان محافظان

را نداشتند، نتوانستند گروه‌ها را در مناطق روستایی و کوهستانی تعقیب کنند، در نتیجه شورشیان پس از مدتی با تجدید سازمان، به شهرها بازگشتند.^(۲۱)

۷- در سنندج، شورشیان در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ به پادگان لشکر ۲۸ و یکی از مساجد شهر حمله کردند.^(۲۲)

۸- گروه‌های شورشی در ۳۰ مرداد ۱۳۵۸ به

پادگان تپ سقز حمله کردند و تلاش نمودند آن‌جا را تصرف کنند.^(۲۳)

۹- چهار نفر از اعضای جهادسازندگی به اسامی: حمید تواضعی، ناصر ترکان، حمید شیرینی و شهریار ملک کندی، توسط شورشیان در سقز دستگیر و سپس در ۳ شهریور ۱۳۵۸ در سردشت اعدام شدند.^(۲۴)

۱۰- در ۳ شهریور ۱۳۵۸ ساختمان صدا و سیما در مهاباد توسط شورشیان تصرف شد.^(۲۵)

۱۱- در اوایل شهریور ماه هم پایگاه سپاه در مهاباد، محاصره شد تا نیروهای سپاه مجبور به ترک این شهر شوند.^(۲۶)

دکتر چمران درباره‌ی اهداف گروه‌های شورشی از ایجاد ناامنی در ناحیه‌ی گردنشین ایران می‌گوید:^(۲۷) "احزاب چپ مدعی رهبری کرد، می‌خواستند هر منبع قدرتی را در منطقه‌ی کردستان خلع سلاح کنند تا هیچ نیروی دیگری در مقابل نیروی نظامی آن‌ها وجود نداشته باشد. هدف آن‌ها سیطره‌ی نظامی بر کردستان بود. لذا [می‌گفتند] ارتش و ژاندارمری

و شهربانی و بعداً پاسداران باید از کردستان خارج شوند، تا این احزاب به اصطلاح چپی با آزادی کامل بتوانند ترکتازی کنند و افکار و برنامه‌های سیاسی خود را پیاده نمایند.»

مذاکره‌ی پنجم:

امام خمینی^(۲۸) پس از ارسال پیام ۲۷ مرداد ۱۳۵۸، برای رسیدگی به وضعیت مردم ساکن کردستان در ۵ شهریور ۱۳۵۸، حجت الاسلام شیخ حسین کرمانی را به عنوان نماینده در کردستان تعیین کردند و از ایشان خواستند با توجه با آشنایی که نسبت به کردستان دارند، با همکاری و مشورت آقایان علماء و روحانیون محل و هم چنین ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران و کلیه‌ی افراد ذیصلاح، در رفع مشکلات و کمبودهای منطقه بکوشند و به هر آنچه که به نظر ایشان و آقایان در آرامش منطقه مصلحت بود، اقدام کنند. در این پیام حضرت امام^(۲۹) تصریح می‌کند: "مقصود ایشان آن نیست که با جنایتکاران مذاکره شود بلکه آنان باید سرکوب گردند."^(۲۸) بلافاصله مهندس صباغیان (. ۱۳۱۶)، وزیر

ناحیه‌ی کُردنشین به شرارت ادامه می‌دهند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱- حزب دمکرات با همکاری اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق در ۲ شهریور ۱۳۵۸ هنگ ژاندارمری سردشت را اشغال و ضمن خلع سلاح افراد پادگان، تمامی اسلحه‌ها، تجهیزات و مهمات پادگان را به غارت بردند.^(۳۱)

۲- تعدادی از شورشیان در دو شب پیاپی در ۷ شهریور ۱۳۵۸ با خمپاره و سلاح‌های نیمه سنگین به پادگان جلدیان در شمال پیرانشهر حمله کردند، اما نتوانستند آن را تصرف کنند.^(۳۲)

۳- هفت رزمنده‌ی مجروح که در بیمارستان سقر بستری بودند توسط گروه‌های شورشی به خارج از بیمارستان منتقل و پس از شکنجه‌ی آنان را به شهادت رساندند و پیکر آنان را در چاله‌ای در خارج از شهر دفن کردند.^(۳۳)

۴- شورشیان در ۱۱ شهریور ۱۳۵۸ به یک دستگاه کامیون حامل جوانمردان ژاندارمری با نارنجک حمله و ۱۵ جوانمرد را شهید و ۶ نفر را مجروح کردند. در پی این حادثه، جمعی دیگر از جوانمردان ژاندارمری برای تعقیب مهاجمین وارد روستای قارنا شدند و در درگیری با شورشیان ۷ نفر آنان را کشتند. در این اقدام ۴۶ نفر از مردم روستای قارنا نیز کشته شدند. این حادثه به اندازه‌ای برای نظام غیرقابل توجیه بود که هیأتی از سوی امام خمینی برای عرض تسلیت به مردم روستای قارنا به نقده اعزام شد.^(۳۴)

۵- گروه‌های شورشی در ۱۱ شهریور ۱۳۵۸ به اردوگاه واحد اعزامی از مراغه، واقع در جاده‌ی مهاباد به میاندوآب، حمله کردند.^(۳۵)

۶- شورشیان در ۲۰ شهریور ۱۳۵۸ به پایگاه سپاه در باشگاه افسران مهاباد حمله کردند که منجر به شهادت دو پاسدار شد.^(۳۶)

۷- در ۴ مهر ۱۳۵۸ از سوی شورشیان نارنجکی

کشور، هم در پیام تلویزیونی برای آخرین بار به مردم مهاباد هشدار می‌دهد که:^(۳۹)

«حساب خود را از خائنان به ملت جدا کنند و گول این گروه فریب خورده را نخورند. عبدالرحمن قاسملو و عزالدین حسینی در یک سخنرانی در بانه به دولت اعلام جنگ داده‌اند و گفتند تا آخرین قطره خون خود ایستادگی خواهند کرد. ولی ما هرگز نمی‌گذاریم که به این خیال خام خود جامه‌ی عمل بپوشانند. زیرا همان‌طور که امام^(۳۷) گفتند ما به امر خدا با آن‌ها به شدت رفتار خواهیم کرد و آن‌ها را سرکوب می‌کنیم. ارتش، دیگر ارتش شاهنشاهی نیست. ارتشی است که یک ملت را پشت سر خود دارد. سلاح‌هایی که کُردها دارند مثل تانک، نفربر، زره پوش‌های مختلف، ضدهوایی و... سلاح‌هایی نیست که در پادگان مهاباد بوده باشد. البته من نمی‌خواهم کشور به خصوصی را متهم کنم. از سوی دیگر این سلاح‌ها در بازار آزاد قابل فروش نبوده است. تنها اسلحه‌ای که می‌توان گفت که آن‌ها با پول در بازار آزاد خریده‌اند، کلاشینکف است. یک احتمال دیگر وجود دارد و آن این است که اسراییلی‌ها در جنگ‌های خود با اعراب، تعدادی اسلحه به غنیمت برده‌اند و این اسلحه‌ها از طریق آن‌ها وارد کُردستان می‌شود.»

علاوه بر این، امام خمینی در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ دستور دادند، حجت الاسلام معادی‌خواه (. ۱۳۲۶) به اتفاق نماینده‌ی وزارت کشور، نماینده‌ی جهاد سازندگی و گروهی که انتخاب شدند برای رسیدگی به وضع عمرانی کُردستان، به منطقه بروند و از احتیاجات مردم مطلع شده و گزارش مفصلی را به ایشان ارائه دهند.^(۳۸)

آقای کرمانی با برخی سران گروه‌ها و متنفذین سیاسی و مذهبی و اقشار مختلف مردم مذاکره کرده و نتایج آن را به امام گزارش می‌دهد، ولی علی‌رغم این اقدامات مسالمت آمیز، گروه‌ها همچنان در



هیئت مذاکره کننده به سرپرستی آیت... طالقانی در سنج

شد. به ویژه که اکنون روشن شده است که حرکت دولت بعثی عراق، نقش عمده در ایجاد این بحران در غرب کشور داشته است. اعتقاد داریم که باید به جای خودمختاری به استان‌ها اختیارات خودگردانی داده شود. حل مشکلات کشور از طریق تماس‌های سلسله مراتبی موجب کُندی کارها شده بود و به همین جهت حضور کسی که به نمایندگی از سوی تمام وزارتخانه‌ها در محل‌های خارج از مرکز به

به طرف خودروی گشت سپاه در مهاباد، پرتاب شد که منجر به کشته شدن یک نفر از مردم و مجروح شدن ۲۹ نفر دیگر شد.^(۳۷)

۸- گروه‌های شورشی در ۱۵ مهر ۱۳۵۸ به یک واحد از نیروهای در حال ترخیص سپاه در جاده‌ی سردشت به بانه هجوم آوردند و ۲۴ پاسدار و یک سرباز ارتش را شهید و ۱۰ پاسدار را مجروح و ۲۰ پاسدار دیگر را که برخی از آنان مجروح بودند، اسیر کردند.^(۳۸)

مذاکره‌ی ششم:

از آن جا که نظر دولت موقت مذاکره با سران سیاسی و مذهبی بود، آقای فروهر، (وزیر مشاور) را مأمور کردند تا مسئول مذاکره با آنان شود. ایشان

ابتدا در ۱۷ مهر ۱۳۵۸ و سپس در ۲۳ مهر ۱۳۵۸ به شهرهای گردنشین سفر کرد و درباره‌ی برنامه کاری خود گفت:^(۳۹)

«هنوز برنامه‌ای تفصیلی برای این کار طرح نکرده‌ام اما به نظر می‌رسد گردستان در اولویت قرار داشته باشد. اگر به قصد جنگ‌های صلیبی به گردستان نرویم بی‌تردید مشکلات حل خواهد

کُردستان و همچنین گزارش مذاکرات آقای فروهر، (وزیر مشاور)، را مورد تأیید قرار می‌دهد. مهندس صباغیان، (وزیر کشور)، در ۲۹ مهر ۱۳۵۸ می‌گوید: "اصولاً نظر امام در مورد کُردستان بر این بود که در این منطقه کلیه کارهای نظامی، سیاسی، عمرانی و تبلیغاتی توأمآً انجام گیرد."^(۴۲) به این منظور، اختیارات هیأت دولت برای بهبود وضعیت مردم کُردستان و هماهنگی امور در استان‌های کُردنشین، در جلسه‌ی هیأت وزیران در ۲ آبان ۱۳۵۸، به دکتر چمران، (وزیر دفاع ملی)، مهندس صباغیان، (وزیر کشور)، مهندس عزت‌الله سحابی (۱۳۹۰. ۱۳۰۹) (وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه) و آقای فروهر، (وزیر مشاور)، تفویض شد تا با تشکیل ستاد عملیاتی دولت در کُردستان، کلیه فعالیت‌های سیاسی، عمرانی و نظامی در ناحیه‌ی کُردنشین هماهنگ گردد.^(۴۳)

آقای شریعتمداری هم اعلام آمادگی کرد تا به شرط آن که طرفین دعوا به تصمیمات گرفته شده عمل نمایند، نقش میانجی را در بحران کُردستان ایفا کند.^(۴۴) افراد تعیین شده به همراه رئیس ستاد مشترک ارتش، فرماندهی سپاه و فرماندهی ژاندارمری با امام خمینی^(۴۵) ملاقات کردند و برنامه‌هایشان را به تأیید ایشان رساندند و پس از آن دولت اعلام کرد هرگونه عملیات نظامی در کُردستان متوقف می‌شود تا هیأت بتواند از طریق مذاکره و راه حل سیاسی، مسأله‌ی کُردستان را به نتیجه برساند.^(۴۵)

علی‌رغم اعلام آتش‌بس از سوی دولت، شورشیان هر از گاهی به یکی از پادگان‌ها، مراکز نظامی، ادارات دولتی و مردم حمله می‌کردند، برای نمونه:

- ۱- در ۲۰ مهر ۱۳۵۸ شورشیان به شهربانی مهاباد حمله کردند و طی آن ۴ افسر از جمله سروان محسن یارجانی، رئیس شهربانی مهاباد، را به شهادت رساندند و ۷ نفر را هم مجروح کردند.^(۴۶)
- ۲- شورشیان در ۲۸ مهر ۱۳۵۸ در مسیر خودرو حمل غذا برای سپاه کمین گذاشتند و ۷ پاسدار

امور رسیدگی کند، ضروری به نظر می‌رسید.» مهندس صباغیان، وزیر کشور، هم در ۲۴ مهر ۱۳۵۸ اعلام کرد: "آقای فروهر به این قصد به کُردستان مسافرت کرده است که با سران کُردها و رهبران گروه‌های سیاسی ملاقات و مذاکره کند. اصولاً معتقدم که مسایل کُردستان باید از طریق مذاکرات سیاسی حل و فصل شود."^(۴۰)

یکی از نزدیکان آقای فروهر، ضمن تأیید خبر ملاقات و مذاکره‌ی ایشان با شیخ عزالدین حسینی می‌گوید: "این دومین بار است که فروهر با شیخ عزالدین حسینی مذاکره می‌کند. وی با دیگر سران کُرد نیز به منظور رفع اختلافات و فراهم آوردن زمینه‌های صلح و تفاهم، مذاکراتی کرده است." بخش مهم و اصلی مذاکرات فروهر در کُردستان با شیخ عزالدین حسینی بود که در جریان اوج گیری بحران، از فروهر تقاضای کمک کرده بود. فروهر در سفر هفته‌ی گذشته‌ی خود به کُردستان پس از بررسی اوضاع منطقه گزارش آن را به امام خمینی تقدیم کرد. در دومین دور مذاکرات، جلال طالبانی، رهبر کُردهای عراق، نیز در گفت‌وگوها شرکت داشت و او در اولین سفر فروهر، از مهره‌های مؤثر در مذاکره با رهبران کُرد بود. مذاکرات فروهر با رهبران کُرد، شامل گروه تندرو (کومله) که در درگیری‌های کُردستان با پاسداران و نیروهای نظامی درگیر شده‌اند، نخواهد شد.^(۴۱)

به دنبال این دو ملاقات، نخست‌وزیر و تنی چند از اعضای هیأت دولت، مسایل کلی مملکت و از جمله وقایع کُردستان را با امام خمینی مطرح کرده و امام گزارش و اقدامات دولت در منطقه‌ی

اتحادیه کشاورزان کُردستان که بعداً به "کومله" تغییر نام داد در ۲۳ تیر ۱۳۵۸ در مریوان دست به تظاهرات زدند و سپس با حمله به پادگان سپاه ۱۷ نفر را شهید و ۸ نفر را مجروح و ساختمان سپاه را به تصرف در آوردند

را مجروح نمودند.^(۴۷)

۳- یک عدد مین کار گذاشته شده توسط گروه‌های شورش در جاده‌ی منتهی به پیرانشهر، در ۳۰ مهر ۱۳۵۸ در زیر خودرو ارتش منفجر و ۵ سرباز به شهادت رسیدند.

۴- همچنین در کمین اجرا شده در آبان ۱۳۵۸ در جاده‌ی پیرانشهر به سردشت، ۸ نظامی ارتش و یک دانش آموز به شهادت رسیدند.^(۴۸)

۵- شورشیان در ۲ آبان ۱۳۵۸ به خودروهای در حال عبور در گردنه‌ی قوشچی (واقع در شمال ارومیه) حمله‌ی مسلحانه کردند و طی آن ۴ نفر از مردم را مجروح نمودند.^(۴۹)

۶- گروه‌های شورش در ۶ آبان ۱۳۵۸ به ستون ارتش در جاده‌ی ارومیه. مهاباد حمله و ۵ نفر از پرسنل ارتش را زخمی کردند.^(۵۰)

۷- در ۶ آبان ۱۳۵۸ تعدادی از شورشیان به خودرو حامل فرماندهی تیپ پیرانشهر با آر.پی.جی. هفت حمله و ضمن انهدام خودرو، دو درجه‌دار را شدیداً زخمی نمودند.^(۵۱)

۸- گروه‌های شورش در ۶ آبان ۱۳۵۸ سپاه بوکان را محاصره و در درگیری شدیدی که به مدت سه روز ادامه داشت، ۷ پاسدار و یک درجه‌دار ارتش را شهید و ۱۰ نفر دیگر را مجروح کردند.^(۵۲)

۹- شورشیان در ۶ آبان ۱۳۵۸ کلیه‌ی ادارات سقز را اشغال و ارتباط تلفنی این شهر را با سایر نقاط کشور قطع نمودند.^(۵۳)

۱۰- گروه‌های شورش در ۱۰ آبان ۱۳۵۸ به ستون در حال ترخیص ارتش از نوار مرزی، در جاده‌ی سردشت به بانه حمله کردند به طوری که ۳۳ نظامی شهید، ۷۰ نفر مجروح و ۶۰ تن هم مفقود شدند.^(۵۴)

۱۱- پل جاده‌ی ارومیه به رازان در ۱۰ آبان ۱۳۵۸ توسط شورشیان منفجر شد تا ارتباط منطقه‌ی

ترگور و مرگور با ارومیه قطع گردد.^(۵۵)

۱۲- گروه‌های شورش در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ ابتدا در شهر سردشت درگیری ایجاد کردند که منجر به کشته شدن ۸ نفر و مجروح شدن ۳۰ نفر گردید. سپس به محل فرود بالگرد حامل آقای فروهر که برای مذاکره به سردشت رفته بود با خمپاره و تیربار شلیک نمودند که آسیبی به ایشان نرسید.^(۵۶)

۱۳- شورشیان در ۱۵ آبان ۱۳۵۸ با خمپاره به مرکز صدا و سیمای ارومیه حمله کردند.^(۵۷)

۱۴- گروه‌های شورش در ۱۵ آبان ۱۳۵۸ به پاسگاه ژاندارمری اشنویه حمله نموده و ۳ ژاندارم را شهید و ۱۸ نفر را مجروح کردند.^(۵۸)

اولین دور مذاکرات هیأت حسن نیت

اولین دور مذاکرات هیأت حسن نیت در مهاباد در شنبه ۱۲ آبان ۱۳۵۸ درحالی آغاز شد که دکتر چمران به دلیل مخالفت با مذاکره با گروه‌های شورش، در جلسات مذاکره شرکت نکرد و دولت موقت هم پس از تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام^(۵۹)، استعفا داد. پس از آن، امام خمینی^(۶۰) طی پیامی از هیأت حسن نیت خواست، مذاکره در کردستان را زیر نظر شورای انقلاب ادامه دهد.^(۶۱)

هیأت حسن نیت در فرمانداری مهاباد، با استقبال سه هزار گُرد مواجه شدند و اعضای هیأت اعلام کردند: «مقامات ایران آماده هستند تا برای شکل دادن نوعی خودمختاری در منطقه‌ی گُردنشین مذاکره کنند.» آقای فروهر گفت: "جمهوری اسلامی ایران ظرفیت اعطای آزادی‌های اجتماعی و فردی را به شیعیان و سنی‌ها و دیگر اقلیت‌های مذهبی دارد." آقای صباغیان هم با اظهار این مطلب که در چارچوب جمهوری اسلامی همه‌ی احزاب آزاد هستند، به این مسأله اشاره کرد که ممکن است تحریم سه ماهه از حزب دموکرات کردستان برداشته شود.^(۶۲)

دومین دور مذاکرات هیأت حسن نیت

در روز ۱۹ آبان ۱۳۵۸ دومین دور مذاکرات میان آقایان داریوش فروهر، عزت الله سحابی، هاشم صباغیان، رضا ناجیان، فرمانده سپاه غرب، به عنوان نمایندگان دولت، با شیخ عزالدین حسینی، نماینده‌ی کومله، آقای بهروز سلیمانی، نماینده‌ی چریک‌های فدایی خلق و با حضور آقای جلال طالبانی که واسطه‌ی مذاکره بود، در روستای بیوران سردشت برگزار شد.

آقای سحابی درباره‌ی این مذاکره چنین نقل می‌کند: ^(۶۱)

«یک شب در سردشت رفتیم در کوهستان‌ها، چون جای مذاکره را آن‌ها تعیین می‌کردند. جلال طالبانی هم واسط ما بود... تاصبح حرف زدیم. عزالدین حسینی زیر بار نرفت... ما می‌گفتیم اسلحه را زمین بگذارید تا ما با شما مذاکره کنیم. شیخ عزالدین می‌گفت که شما مذاکره را شروع کنید ما کم‌کم اسلحه را زمین می‌گذاریم.»

در حالی که مذاکرات هیأت حسن نیت در کُردستان ادامه داشت، گروه‌های شورشی دست از شرارت بر نمی‌داشتند. آنان در شب ۱۶ آبان ۱۳۵۸ با آر.پی.جی. هفت به سپاه سقز حمله کردند ^(۶۲) و در ۱۹ آبان ۱۳۵۸ به شعبه‌ی مرکزی بانک ملی سقز حمله نموده و موجودی بانک را به غارت بردند. ^(۶۳)

هیأت حسن نیت پس از این دور از مذاکرات، با امام خمینی ^(۶) ملاقات نمود و ایشان پیامی در ۲۶ آبان ۱۳۵۸ به شرح زیر برای مردم کُردستان فرستاد: ^(۶۴)

۱- ...

۲- ...

۳- از هیأت ویژه می‌خواهم که به مذاکرات خود با کمال حسن نیت ادامه دهند و با شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و ملی و سایر قشرها تماس بگیرند تا تأمین خواسته‌های آنان که خواست ما نیز هست به طور دلخواه بشود و آرامش و امنیت که از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است،

در منطقه برقرار گردد و شما برادران کُرد در کنار سایر برادران با رفاه و آسایش زندگی نموده و طمع اجانب برای همیشه از کشورمان قطع شود. ۴- اسلام بزرگ تمام تبعیض‌ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاصی قرار نداده و تقوا و تعهد اسلامی، تنها کرامت انسان‌هاست و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی، حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هر گونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است از جمله: برادران کُرد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت می‌باشد و مقررات و قوانین آن به زودی، انشاءالله تعالی، تدوین می‌شود.»

به دنبال پخش پیام حضرت امام خمینی ^(۶۵)، مردم در شهرهای کُردستان تظاهرات ده‌ها هزار نفری برپا کرده و جشن گرفتند. پیام‌های تبریک مردم و برخی رهبران سیاسی و مذهبی هم برای امام ارسال شد. از جمله دکتر قاسملو، دبیرکل حزب دمکرات، در سخنرانی در جمع مردم مه‌باد از پیام امام تشکر کرد و ضمن اعتراف به جنگ با جمهوری اسلامی، هدف حزبی را در جنگ کُردستان این طور مطرح نمود: ^(۶۵) «ما هدف مان از جنگ، دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کُردستان بوده و حالا هم این هدف شعار ماست.»

سومین دور مذاکرات هیأت حسن نیت

این دور از مذاکرات هیأت حسن نیت در کُردستان، با حضور آقایان صباغیان، سحابی و فروهر در دوم آذرماه ۱۳۵۸ انجام شد. ^(۶۶) پس از آن، حزب دمکرات اطلاعیه‌ای صادر کرد و طی آن از ساعت ۱۲ یکشنبه چهارم آذرماه، به مدت ۲۰ روز، آتش‌بس اعلام نمود و تمدید آن را مشروط به خروج پاسداران غیربومی از سراسر کُردستان، طی ۱۵ روز پس از شروع آتش‌بس اعلام کرد. ^(۶۷)



هیئت حسن‌نیت به سرپرستی داریوش فروهر در مذاکره با هیئت کردی به سرپرستی عزالدین حسینی

رهبران سیاسی و مذهبی کردستان برای ایجاد هماهنگی بیشتر در بین گروه‌ها و احزاب کردستان، در ۴ آذرماه ۱۳۵۸ اقدام به تشکیل "هیأت نمایندگی خلق کُرد" مرکب از شیخ عزالدین حسینی، نماینده‌ی حزب دمکرات، نماینده‌ی کومله و نماینده‌ی چریک‌های فدایی خلق نمودند. در حالی که هیأت حسن نیت قبلاً اعلام کرده بود

به دلیل نقش کومله و چریک‌های فدایی خلق در کشتار نیروهای نظامی و اکراد مسلمان و همچنین آتش‌افروزی‌های پیاپی در کردستان، حاضر به مذاکره با این دو گروه نیست.

هیأت نمایندگی خلق کُرد، طی اطلاعیه‌ای از مردم کردستان دعوت کرد در ششم آذرماه در سراسر کردستان تظاهرات کنند و پشتیبانی خود را از خواست‌های زیر و هیأت نمایندگی خلق کُرد، اعلام نمایند:^(۳۸)

۱- خودمختاری کردستان به رسمیت شناخته شده و در قانون اساسی درج گردد.

۲- مناطق کُردنشین که در بین چهار استان ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی تقسیم شده است، به عنوان یک واحد خودمختار شناخته شود.

۳- مجلس ملی کردستان، از طریق انتخابات آزاد، مستقیم، مخفی و همگانی ساکنین کردستان تشکیل شود. این مجلس حکومت خودمختار کردستان و نمایندگانی برای اداره امور اقتصادی،

- اجتماعی، فرهنگی و انتظامی منطقه‌ی خودمختار برخواهد گزید.
- ۴- زبان کُردی، زبان رسمی تدریس و گفت‌وگو در ادارات و مؤسسات در کردستان شناخته شود و پس از سال چهارم ابتدایی، زبان فارسی در کنار زبان کُردی تدریس شود و زبان رسمی (فارسی) زبان ادارات در سراسر ایران من جمله کردستان باشد.
- ۵- اختصاص سهم عمومی بودجه‌ی کشور به کردستان به گونه‌ای باشد که عقب‌ماندگی اقتصادی ناشی از ستم ملی را جبران نماید.
- ۶- نمایندگان خلق کُرد در اداره‌ی امور حکومت مرکزی شرکت داده شوند.
- ۷- کلیه‌ی امور مربوط به سیاست خارجی، دفاع ملی (ارتش)، سیاست کلی و ارضی، بازرگانی خارجی و برنامه‌های درازمدت اقتصادی در صلاحیت حکومت مرکزی است و بقیه‌ی امور داخلی به وسیله ارگان‌های خودمختار کردستان اداره شود.

ما با آنان پشت میز مذاکره نخواهیم نشست...» پس از این مصاحبه، شیخ عزالدین حسینی با صدور اطلاعیه ای مواضع آقای صباغیان را زیر سؤال برد و گفت: «هیأت حسن نیت باید با تمامی سازمان‌های درگیر در بحران کُردستان مذاکره نماید. در غیر این صورت، در راستای پیام امام حرکت نکرده است و مذاکرات به نتیجه‌ای نخواهد رسید.» وی بعد از صدور این اطلاعیه، مه‌باد را به سوی نقطه‌ی نامعلومی در کُردستان ترک کرد.^(۷۰)

چهارمین دور مذاکرات هیأت حسن نیت

برای افزایش اختیارات هیأت حسن نیت، اعضا با امام خمینی^(ره) ملاقات و از ایشان درخواست کردند که اختیارات لشکری و کشوری در مناطق کُردستان به آنان واگذار شود تا بتوان بیشتری به حل بحران در کُردستان پردازند. امام با این درخواست موافقت کرد.^(۷۱)

هیأت حسن نیت بعد از کسب اختیارات جدید، در روز دوشنبه ۱۹ آذرماه وارد مه‌باد شد و در جلسه‌ی مذاکره‌ی رسمی در محل فرمانداری مه‌باد، شرکت کرد. در این جلسه، ابتدا آقای فروهر از برگزاری نشست ابراز خوش‌وقتی نمود و در مورد نتیجه‌ی مذاکرات اظهار خوش‌بینی کرد. سپس شیخ عزالدین بیانیه‌ای را قرائت نمود و در آن ضمن خوش‌آمدگویی به نمایندگان دولت، گفت که ملت کرد همواره آرزو داشته که در نشست و گفت‌وگو با نمایندگان رسمی دولت شرکت نموده و مسأله‌ی ملی خود را از راه تفاهم و گفت‌وگو حل‌وفصل نمایند. مردم کُردستان در عین حالی که با مردم ایران مبارزات مشترکی را پیش برده‌اند، همواره برای کسب حقوق مسلم خود نیز مبارزه کرده‌اند. ایشان پس از صحبت، هیأت نمایندگی خلق کُرد را با

۸- آزادی‌های دموکراتیک از قبیل: آزادی بیان، قلم، مطبوعات، اجتماعات، احزاب و آزادی مذهب و عقیده در سراسر ایران تأمین گردد. ترکیب هیأت نمایندگی خلق کرد و مفاد مندرج در این اطلاعیه، موجب تعجب هیأت حسن نیت می‌شود و آقای صباغیان در مصاحبه‌ای می‌گوید:^(۶۹) «هر کس به جمهوری اسلامی اعتقاد داشته باشد و ماده‌ی سه این طرح را بخواند می‌تواند درک کند که این طرح چه دورنمایی را در مقابل ما قرار می‌دهد... سران حزب دمکرات قبلاً به طور

ضمنی موافقت کرده بودند که این دو گروه سیاسی (کومله و چریک‌های فدایی خلق) در مذاکرات شرکت نکنند و از ما نیز خواسته بودند که این مطلب را با شیخ عزالدین حسینی در میان بگذاریم و علت سفر دیروز داریوش فروهر به کُردستان نیز ملاقات با عزالدین حسینی و اعلام این مطلب به وی بوده است. ولی اکنون تعجب می‌کنم که

چطور آنان با چنین طرح مشترکی موافقت کرده‌اند... هیأت حسن نیت تنها با افراد و گروه‌هایی مذاکره می‌کند که به اساس جمهوری اسلامی، رهبری امام خمینی^(ره) و حل مسأله‌ی کُردستان از طریق مسالمت‌آمیز اعتقاد داشته باشند. ما تحقیق کردیم و دیدیم که شیخ عزالدین حسینی و حزب دمکرات نمایندگان اکثریت مردم کُرد و واجد سه شرطی که ما قائل شدیم، هستند و به همین دلیل با آنان وارد مذاکره شدیم. سازمان چریک‌های فدایی خلق و کومله دارای چنین شرایطی نیستند و به همین دلیل

بخش مهم و اصلی مذاکرات فروهر در کُردستان با شیخ عزالدین حسینی بود که در جریان اوج گیری بحران، از فروهر تقاضای کمک کرده بود

ماده‌ای را برای تأمین خودمختاری کردستان، انتشار می‌دهد.^(۷۶) پس از آن، گروه‌ها برای وارد نمودن فشار و تهدید دولت، خواهان خروج نیروهای سپاه طی ۴۸ ساعت از سنندج می‌شوند و بعد از آن رئیس شهربانی بانه را به گروگان می‌گیرند.^(۷۷)

در پی این تحولات، آقای فروهر، در مصاحبه‌ای اعلام می‌کند طرح هیأت نمایندگی خلق کُرد نمی‌تواند مورد قبول واقع شود و با اظهار تعجب می‌گوید:^(۷۸)

«چرا هیأت نمایندگی خلق کُرد، بدون توجه به محتوای طرح دولت برای خودگردانی استان‌ها، بر

استفاده از لفظ خودمختاری به جای خودگردانی تأکید دارد و بر اجرای آن بدون در نظر گرفتن ساخت اجتماعی ایران، اصرار می‌ورزد؟!»

حزب دمکرات نیز با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام می‌کند که مذاکرات به دلیل عدم جدیت و قاطعیت هیأت حسن نیت به بن بست رسیده و وقوع برخی درگیری‌ها را در کردستان، به دولت نسبت می‌دهد. حزب در

این اطلاعیه هشدار می‌دهد که اگر مذاکرات به نتیجه نرسد جنگ در کردستان قریب‌الوقوع خواهد بود.^(۷۹) گروه‌های شورشی در این دوره هم دست از شرارت برای دستیابی به تفاهم برنمی‌دارند و در هر مکانی که می‌توانند به اجرای عملیات می‌پردازند. آنان در ۸ دی ۱۳۵۸ ساختمان صداوسیما سنندج را تصرف می‌کنند^(۸۰) و در ۱۷ دی ۱۳۵۸ به یک ستون از نیروهای ژاندارمری در جاده‌ی ارومیه- مهاباد حمله نموده و ضمن خلع سلاح آنان، ۱۲۰ افسر، درجه‌دار و سرباز را به گروگان می‌گیرند.^(۸۱) این اقدام به

تعلق‌سازمانی‌شان معرفی کرد.

آقای صباغیان به ترکیب هیأت و حضور رسمی نمایندگان کومله و چریک‌های فدایی خلق اعتراض می‌کند. به دنبال این سخنان، دکتر قاسملو، چنین اظهار می‌نماید که: «ترکیب هیأت به خود هیأت مربوط است. مردم کردستان طی تظاهرات گسترده و سراسری در ششم آذرماه، از ترکیب فعلی هیأت نمایندگی خلق کُرد، به طور وسیعی حمایت کرده‌اند و خواهان اجرای درخواست هشت ماده‌ای شده‌اند.» پس از بیان این اظهارات، هیأت حسن نیت از ادامه‌ی مذاکره با هیأت نمایندگی خلق کُرد خودداری نموده و بعد از چند ملاقات با مردم، به تهران باز می‌گردد.^(۷۲) آقای عبدالله حسن‌زاده، دبیرکل سابق حزب دمکرات، در مصاحبه‌ای درباره‌ی این دور از مذاکرات می‌گوید:^(۷۳)

«هیأت ویژه‌ی دولت می‌گفت ما با چریک و کومله مذاکره نمی‌کنیم. لذا ما در جمع هیأت نمایندگی خلق کُرد، توافق نمودیم که از اعضای هیأت صحبت نکنیم و ... فقط اسامی افراد را معرفی کنیم اما شیخ عزالدین که رئیس هیأت بود ... شروع به معرفی اعضا کُرد ... آقای صباغیان گفت که ما با کومله و چریک مذاکره نمی‌کنیم و مذاکره تمام شد.»

پنجمین دور مذاکرات هیأت حسن نیت

هیأت حسن نیت پس از بازگشت به تهران طرحی را به نام «طرح خودگردانی استان‌ها» تهیه کرد و آن را به تصویب امام خمینی^(۸۲) رساند و سپس آن را برای نظرخواهی از مردم و گروه‌های سیاسی منتشر کرد.^(۷۴)

بلافاصله هیأت نمایندگی خلق کُرد طی اطلاعیه‌ای مخالفت خود را با طرح خودگردانی استان‌ها اعلام می‌کند و آن را تأمین‌کننده‌ی حقوق خلق کُرد، نمی‌داند^(۷۵) و به جای آن یک طرح ۲۶

مهندس صباغیان وزیر کشور در ۲۹ مهر ۱۳۵۸ می‌گوید: "اصولاً نظر امام در مورد کردستان بر این بود که در این منطقه کلیه‌ی کارهای نظامی، سیاسی، عمرانی و تبلیغاتی توأمأً انجام گیرد"

«به نظر شخص من بهتر است که طرح خودگردانی، مبنای مذاکرات قرار بگیرد و اگر چند نکته‌ی اصولی در طرح ۲۶ ماده‌ای نیز حل شود ما می‌توانیم آن را مبنای مذاکره قرار بدهیم.»

هرچند این دور از مذاکرات هم به نتیجه نمی‌رسد، ولی بر اساس درخواست مردم و گروه‌ها، هیأت حسن‌نیت می‌پذیرد، نیروهای سپاه از هر شهری که انتظامات داخلی آن توسط شهربانی و ژاندارمری برقرار شود و افراد و گروه‌ها مسلحانه در شهر تردد نکنند و اطمینان از ایجاد امنیت در شهر به وجود بیاید (به ویژه در مهاباد و سنندج) خارج شوند.^(۸۷)

پس از این توافق و تضمین گروه‌های شورشی مبنی بر عدم تردد مسلحانه در شهر سنندج، نیروهای سپاه از پایگاه‌هایشان در سنندج خارج شده و به پادگان لشکر ۲۸ سنندج می‌روند تا ترتیب انتقال آنان داده شود. آقای محمد کریمی، فرماندهی سپاه سنندج، در این باره می‌گوید:^(۸۸)

«ما در صدد تخلیه هستیم و به لشکر سنندج می‌رویم تا ترتیب رفتن ما از شهر داده شود. تیمسار فلاحی از طرف شورای انقلاب دستور داشتند که به سنندج بیایند و فرمان خروج پاسداران را صادر کنند و ما با حجت الاسلام خامنه‌ای تماس گرفتیم و ایشان مأموریت فرماندهی نیروی زمینی را تأیید کرد.»

پس از تخلیه‌ی پایگاه‌های سپاه در شهر سنندج، اعتصاب ۲۹ روزه‌ی هواداران گروه‌های شورشی پس از یک راهپیمایی شکسته می‌شود.^(۸۹) با این وجود اقدامات شرارت آمیز شورشیان در ناحیه‌ی گردنشین ادامه پیدا می‌کند. در پیرانشهر، شورشیان فرماندار این شهر را می‌ربایند.^(۹۰) در پاوه به پایگاه سپاه حمله و ۶ پاسدار را شهید و ۲۰ پاسدار را مجروح می‌کنند.^(۹۱) در کردند، جاده‌ی منتهی به سرپل ذهاب را می‌بندند و ۱۵ الی ۲۵ نفر از مردم را به گروگان می‌گیرند.^(۹۲) به دنبال این وقایع، شورای انقلاب به هیأت حسن‌نیت با اختیار تام در امور کشوری و لشکری مأموریت می‌دهد تا ضمن بررسی عاملان بروز این

اندازه‌ای حسن‌نیت شورشیان را زیر سؤال می‌برد که حزب دمکرات در اطلاعیه‌ای اعلام می‌کند که نیروهایش در این حمله شرکت نداشته و عامل این حمله کومله و چریک‌های فدایی خلق بوده‌اند.^(۸۲)

با متشنج شدن وضعیت منطقه، هیأت حسن‌نیت سفر خود را برای پنجمین دور مذاکره به عقب می‌اندازد و سپس به همراه رئیس ستاد ارتش و فرماندهی نیروی زمینی ارتش به حضور امام^(۹۳) می‌رسند و از ایشان درخواست می‌کنند که یک نماینده‌ی روحانی برای اضافه شدن به ترکیب هیأت حسن‌نیت معرفی کند تا برای آخرین بار به گُردستان بروند و با مردم و گروه‌های سیاسی اتمام حجت کنند.^(۸۳)

امام خمینی^(۹۴)، حجت الاسلام شهاب‌الدین اشراقی را به عنوان نماینده تعیین می‌کند و هیأت حسن‌نیت با ترکیب جدید، در ۲۳ دی ۱۳۵۸ برای انجام پنجمین دور مذاکره وارد مهاباد می‌شود. این هیأت به مدت سه روز با اقشار مختلف مردم و گروه‌های سیاسی و مذهبی درباره‌ی طرح خودگردانی استان‌ها و طرح ۲۶ ماده‌ای هیأت نمایندگی خلق

گُرد، مذاکره می‌کند و سپس به تهران باز می‌گردد.^(۸۴) آقای صباغیان درباره‌ی این دور از مذاکرات می‌گوید:^(۸۵)

«ما قبلاً هم گفته‌ایم که اگر هیأت همان باشد که بوده، آن را به عنوان نمایندگی مردم گُرد نمی‌دانیم و به خصوص اگر وابستگی حزبی داشته باشند، مذاکره نخواهیم کرد و اصولاً ما مذاکرات را با هیأت نمایندگی نمی‌کنیم بلکه با شخصیت‌های سیاسی و مذهبی به طور جداگانه این ملاقات‌ها صورت می‌گیرد.»

آقای مهندس سبحانی، هم در مورد طرح مبنایی برای مذاکره می‌گوید:^(۸۶)

اولین دور مذاکرات هیأت حسن‌نیت در مهاباد، روز شنبه ۱۲ آبان ۱۳۵۸ در حالی آغاز شد که دکتر چمران به دلیل مخالفت با مذاکره با گروه‌های شورشی، در جلسات مذاکره شرکت نکرد و دولت موقت هم پس از تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام^(۹۵)، استعفا داد

بود، به این امید که دولت با آن موافقت کند، می‌گوید: (۹۵) «... شش ماده بود که از جمهوری اسلامی خواسته بودند. قاسملو گفت که سه تایش را قلم بزیند. گندم مشهد مال ماست ما ایرانی هستیم. پس این سه مورد اول را رها کنید و آن را قلم بزیند. از این سه تا یکی‌اش را الان بدهید دو تا هم وعده بدهید اما ندهید.» هم زمان با این اقدام حزب دمکرات، عملیات نظامی از سوی گروه‌های شورشی تندرو علیه اشخاص، مراکز سیاسی و نظامی در کردستان ادامه می‌یابد. در خوی، هنگامی که فرماندار به همراه تعدادی از مسئولان نظامی و غیرنظامی شهرستان از بازدید نوار مرزی باز می‌گشتند به کمین گروه‌ها می‌افتند و ۶ نفر آنان شهید و فرماندار خوی به همراه ۱۴ نفر

به گروگان در می‌آیند. (۹۶) در کامیاران، شورشیان در شامگاه ۲۰ اسفند ۱۳۵۸ به حسینییه، در زمان برگذاری نماز و به بخشداری و آموزش و پرورش کامیاران حمله می‌کنند. (۹۷) در سنندج، شورشیان برخلاف توافقات انجام شده مسلحانه در شهر رفت و آمد می‌کنند و تعدادی از مردم شهر را

محاومه و در ۲۴ اسفند ۱۳۵۸ مانع از برگزاری نماز جمعه می‌شوند. (۹۸) در ارومیه، مهاجمین به چند پاسگاه ژاندارمری حمله و یک پاسگاه را به سقوط می‌کشاند. (۹۹) در اشنویه هم چند پاسگاه ژاندارمری مورد هجوم واقع می‌شود. (۱۰۰)

دکتر قاسملو، علی‌رغم ارائه‌ی طرح چند روز قبل، برای ایجاد گشایش در مسیر مذاکرات، اعلام می‌کند حزب وی حاضر نیست اسلحه‌اش را زمین بگذارد و سپس مذاکره کند و حزب، سلاح‌های خود را تا تحقق خودمختاری حفظ می‌کند. (۱۰۱)

حوادث، بحران کردستان را به نتیجه برساند. یک گروه تحقیق از سوی این هیأت مأمور می‌شود به کردستان سفر کند و نتیجه را اعلام کند. (۹۳)

حزب دمکرات از فرصت استفاده نموده و برای ایجاد گشایش در مذاکرات، طرحی در ۶ ماده که فشرده‌ی همان طرح ۲۶ ماده‌ای قبلی است، تهیه کرده و آن را در ملاقات حضوری به بنی‌صدر که در اوایل بهمن ماه به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شده بود، ارائه می‌دهد. نمایندگان حزب در تهران با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت حسن‌نیت ملاقات می‌کنند و نظراتشان را درباره‌ی طرح جدید مطرح می‌کنند تا شورای انقلاب آن را بررسی و نتیجه را اعلام کنند. آقای صباغیان درباره‌ی مفاد این طرح می‌گوید: (۹۴)

«طرح ارائه شده از جانب حزب دمکرات شامل سه قسمت اساسی است: قسمت اول مربوط به پیشنهاد طرح خودگردانی کردستان است که آن‌ها به نام طرح کلی خودمختاری نامیده‌اند. این طرح جدید با طرح ۲۶ ماده‌ای هیأت نمایندگی خلق کرد که قبلاً در مقابل طرح خودگردانی هیأت ویژه ارائه شده بود فرق‌های اساسی دارد که یکی از موارد آن مربوط می‌شود به این که قلمرو جغرافیایی این طرح را با تصویب اکثریت اهالی ساکن در منطقه‌ی گردن‌شین تعیین کرده‌اند و درخواست‌شان این است که در متمم قانون اساسی نیز گنجانده شود... قسمت دوم طرح پیشنهادی شامل قسمت‌هایی است که تقاضای عفو عمومی و رسیدگی به حادثه‌ی قارنا و کمک به معلولین حوادث کردستان و عفو کلیه‌ی زندانیان و تبعیدشدگان است که البته در مورد عفو کلیه‌ی زندانیان، قبلاً به توافق با هیأت ویژه رسیده بودند... قسمت سوم طرح پیشنهادی ... مربوط به لغو تصویب‌نامه‌ی مربوط به انحلال حزب دمکرات کردستان است...»

حجت‌الاسلام کرمانی درباره‌ی طرحی که حزب دمکرات در شش ماده به جمهوری اسلامی ارائه و صف خود را از هیأت نمایندگی خلق کرد، جدا کرده

امام خمینی (ره): اسلام بزرگ تمام تبعیض‌ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاصی قرار نداده و تقوا و تعهد اسلامی، تنها کرامت انسان‌هاست و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی، حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هر گونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است

مذاکرة هفتم:

حملات مستمر و پی‌درپی شورشیان به مراکز نظامی - انتظامی و مردم شهرهای مختلف به اندازه‌ای حسن نیت گروه‌ها را زیر سؤال می‌برد که حزب ناچار می‌شود مجدداً در نامه‌ای به رئیس‌جمهور، موضع حق به جانب بگیرد و عامل اصلی درگیری‌های کُردستان را نیروهای نظامی - انتظامی معرفی کند و در آن دوباره جمهوری اسلامی را تهدید نماید تا دموکراسی در ایران تحقق پیدا نکند، حزب سلاح‌هایش را زمین نمی‌گذارد.^(۱۰۲)

در این زمان، تعدادی از گروگان‌های نظامی و

غیرنظامی در اختیار گروه‌های شورشی اعدام می‌شوند. بنی‌صدر (رئیس‌جمهور وقت)، در مراسم اولین سالگرد تأسیس جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ از موضع فرماندهی کل قوا به نیروهای نظامی و انتظامی دستور می‌دهد، چنانچه گروه‌های شورشی بر خلاف توافقات به عمل آمده، در شهرها مسلحانه تردد کنند و به نیروهای نظامی - انتظامی حمله کنند، پوتین‌هایشان

را از پا در نیاورند تا مناطق کُردنشین را از وجود شورشیان پاکسازی کنند.^(۱۰۳)

به دنبال این دستور، گروه‌های شورشی به حجت‌الاسلام کرمانی، نماینده‌ی امام خمینی^(۱۰۳) در غرب، متوسل می‌شوند و دو دور مذاکره با وی به عمل می‌آورند. آقای کرمانی پس از آن با امام^(۱۰۴) و رئیس‌جمهور ملاقات می‌کند و نظرات گروه‌ها را منعکس می‌نماید.^(۱۰۴) اما به نظر نمی‌رسد با نقض مکرر توافقات و رفتار غیر آشتی‌جویانه‌ی شورشیان، اعتماد مجدد دولتمردان جمهوری اسلامی کسب شود.

آقای صباغیان در مصاحبه‌ای مجدداً تأکید می‌کند: «هیأت حسن نیت برای کسب توافق درباره‌ی نحوه‌ی اعطای خودگردانی به ناحیه‌ی کُردنشین، فقط با هیأت نمایندگی خلق کُرد مذاکره نمی‌کند، بلکه سایر شخصیت‌های سیاسی و مذهبی کُردستان نیز طرف مذاکره با هیأت خواهند بود.» وی می‌گوید: «طرح پیشنهادی گروه‌ها در صورتی در شورای انقلاب مطرح خواهد شد که ابتدا گروه‌های شورشی سلاح را زمین بگذارند و آرامش در کُردستان برقرار شود.»^(۱۰۵)

گروه‌های شورشی به جای پاسخ اعتمادساز به این درخواست هیأت حسن نیت، بر دامنه‌ی شرارت و ناامنی در ناحیه‌ی کُردنشین می‌افزایند، به طوری که:

۱- در حالی که یک ستون ارتش در ۲۷ فروردین ۱۳۵۹ در حال اعزام از ارومیه به نوار مرزی اُشنویه بود تا با تحرکات ارتش عراق مقابله کند، شورشیان به ستون ارتش در جاده‌ی ارومیه. اُشنویه حمله کردند. در این حمله ۸ نفر از پرسنل ارتش شهید و ۲۰ نفر مجروح شدند.^(۱۰۶)

۲- شورشیان در ۲۹ فروردین ۱۳۵۹، به جهاد سازندگی بانه حمله و ضمن گروگان گرفتن افراد و غارت اموال، خودروهای جهاد سازندگی را به آتش کشیدند.^(۱۰۷)

۳- گروه‌های شورشی با انواع سلاح‌های سبک و نیمه سنگین به پایگاه ژاندارمری و پادگان سقز در ۲۹ فروردین ۱۳۵۹ حمله کردند که منجر به شهادت ۵ نظامی و مجروحیت ۴ نظامی دیگر می‌شود. در این حمله، یک مسجد و چند خانه تخریب و بازار سقز نیز به آتش کشیده می‌شود.^(۱۰۸)

۴- شورشیان در ۳۱ فروردین ۱۳۵۹ در شهر سنندج به ستون ارتش در حالی که مأمور استقرار در مرز بانه جهت مقابله با تجاوزات مرزی ارتش عراق بود، حمله و ۱۲ نظامی را شهید و ۲۹ تن را مجروح کردند و خودروهای حامل مهمات،

رحمان قاسملو: "ما هدف مان از جنگ، دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کُردستان بوده و حالا هم این هدف شعار ماست"

آذوقه و سوخت را به غارت بردند.^(۱۰۹)

۵- گروه‌های شورشی در ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ پادگان تیپ ۳ لشکر ۲۸ که در مریوان مستقر است را محاصره کردند که به مدت ۴۰ روز ادامه داشت. آنان بارها تلاش کردند با شلیک خمپاره و اجرای آتش سلاح‌های سبک و نیمه سنگین، این پادگان را تصرف کنند.^(۱۱۰)

پای بند نبودن گروه‌ها به مذاکرات، حملات پی‌درپی آنان به مراکز وابسته به نظام در ناحیه‌ی گردنشین ایران، در معرض خطر قرار داشتن پادگان‌ها (به ویژه ستاد لشکر ۲۸ سنندج) که سقوط هر یک از آنان می‌توانست تجهیزات زیادی در اختیار گروه‌های شورشی قرار دهد، موجب شد نیروهای نظامی تصمیم بگیرند برای حفظ پادگان سنندج اقدام به آزادسازی شهر سنندج در چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ نمایند. سازماندهی همه‌جانبه‌ی گروه‌ها برای جنگ در سنندج و ممانعت از موفقیت نظام از تسلط بر این شهر، حاکی از آن بود که آنان گزینه‌ی نظامی را در اولویت قرار داده‌اند و از فرصت مذاکرات برای کسب آمادگی‌های نظامی استفاده کرده‌اند.

درگیری خونین در سنندج که به مدت ۲۲ روز ادامه داشت، دیگر جایی برای مذاکره باقی نگذاشت و بعد از این تاریخ مذاکره‌ای میان طرفین، تا ملاقات میان نمایندگان ایران و دکتر قاسملو در ۲۲ تیر ۱۳۶۴ در وین، برگزار نشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با مرور دقیق و همه‌جانبه‌ی حوادث و وقایع ناحیه‌ی گردنشین ایران در یک سال و نیم ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، علل و عوامل به بن بست رسیدن مذاکرات در کردستان را می‌توان چنین برشمرد:

۱- هرچند مذاکرات کردستان استمرار داشته اما تحت تأثیر وقایع و حوادث مهم، دچار فراز و فرودهایی شده است.

۲- دو طرف اعتماد لازم را به یکدیگر نداشته و در پی برخی رفتارهای اعتمادساز تیم مذاکره‌ی دولت مرکزی، تیم مذاکره‌ی کردستان اقدامات اعتمادساز را انجام نداده است.

۳- تیم مذاکره‌کننده‌ی کردستان دارای اهداف واحدی نبوده و یک گروه، نقش محوری را در آن برعهده نداشته است.

۴- متناسب با انعطاف‌های نظام و هیأت حسن‌نیت، هیأت نمایندگی خلق کرد انعطاف لازم را نشان نداده است.

۵- شاخه‌ی کردستان چریک‌های فدایی خلق،

که نقش جدی و مؤثری را در حمله به مراکز نظامی، انتظامی، دولتی و شخصی مردم مسلمان ناحیه‌ی گردنشین ایران داشته است، عمدتاً از سیاست‌های مرکزیت سازمان تبعیت می‌کرده که در صدد براندازی جمهوری اسلامی بوده و کمتر در جهت منافع مردم و احزاب کردستان برای دستیابی به

هیأت نمایندگی خلق کرد، طی اطلاعیه‌ای از مردم کردستان دعوت کرد در ششم آذرماه در سراسر کردستان تظاهرات کنند و پشتیبانی خود را از خواست‌های هیأت نمایندگی خلق کرد اعلام نمایند

خودگردانی یا خودمختاری تلاش می‌کرده است.

۶- اهداف و سیاست‌های کومله به عنوان یکی از دو گروه اصلی گردی شرکت‌کننده در مذاکرات، به میزان زیادی تحت تأثیر چریک‌های فدایی خلق بوده و هماهنگ با حزب دمکرات، دیگر گروه گردی شرکت‌کننده در مذاکرات، نبوده است.

۷- برای گروه‌های کومله و چریک‌های فدایی خلق دستیابی به اهداف ایدئولوژیک یا حزبی مهم‌تر بوده و تأمین منافع مردم کردستان در اولویت بعدی قرار داشته است.

ارجاعات:

- ۸- حزب دمکرات هژمونی لازم را برای ایجاد هماهنگی بین گروه‌های شرکت‌کننده در مذاکرات نداشته است.
- ۹- شیخ عزالدین حسینی به نقش چریک‌های فدایی خلق و کومله در کُردستان بیشتر از حزب دمکرات اهمیت می‌داده و لذا با آن که هیأت حسن‌نیت اعلام کرده با دو گروه مذکور به سه دلیل اعتقاد نداشتن به اساس جمهوری اسلامی، رهبری امام خمینی^(ره) و حل مسأله‌ی کُردستان از طریق مسالمت‌آمیز، مذاکره نمی‌کند ایشان هم در مقام رئیس تیم مذاکره‌کننده و هم در مقام یک روحانی مسلمان، نتوانسته است مصالح و منافع افراد را بر مصالح و منافع دو گروه مارکسیست کومله و چریک‌های فدایی خلق ترجیح دهد و اهداف هیأت نمایندگی خلق کُرد را متناسب با منافع افراد تنظیم کند.
- ۱۰- از طرف نظام، تیم‌های متعددی. به غیر از دوره‌ی مذاکرات هیأت حسن‌نیت. برای مذاکره انتخاب شده است.
- ۹- علی‌رغم وجود گروه‌های مسلمانی همانند مکتب قرآن و سپاه رزگاری و هم‌چنین وجود شخصیت‌های متنفذ مذهبی و سیاسی در کُردستان، آنان نتوانسته‌اند به ترکیب هیأت نمایندگی خلق کُرد وارد شوند و به نقش‌آفرینی در مذاکرات پردازند.
- ۱۰- گروه‌ها و شخصیت‌های مستقل و مسلمان موفق نشده‌اند، شیخ عزالدین حسینی را به تبعیت نکردن از چریک‌های فدایی خلق و کومله و گرایش به حزب دمکرات و منافع مردم کُرد، ترغیب نمایند.
- ۱- <http://www.siahkal.com/index/right-col/Mosahebeh-ba-Mamoosta.htm>
- ۲ روزنامه‌ی کیهان ۵۷/۱۲/۱، شماره‌ی ۱۰۶۴۲، ص. ۲ و ۵۹/۱۲/۳، شماره‌ی ۱۰۶۴۴، ص. ۴ و ۵۷/۱۲/۵، شماره‌ی ۱۰۶۴۵، ص. ۵ و ۵۷/۱۲/۶، شماره‌ی ۱۰۶۴۶، ص. ۲ و ۵۸/۴/۱۴، شماره‌ی ۱۰۵۷۰، ص. ۲ و ۵۸/۶/۲۰، شماره‌ی ۱۰۸۰۴، ص. ۲.
۳. روزنامه‌ی کیهان ۵۷/۱۲/۲، شماره‌ی ۱۰۴۴۳، ص. ۸ و ۵۷/۱۲/۳، شماره‌ی ۱۰۶۴۴، ص. ۴ و ۱۳۵۷/۱۲/۴.
۴. روزنامه‌ی کیهان ۵۷/۱۲/۱، شماره‌ی ۱۰۶۴۲، ص. ۲.
۵. روزنامه‌ی اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۲۰.
۶. روزنامه‌ی کیهان ۵۷/۱۲/۲۸، شماره‌ی ۱۰۶۶۵، صص. ۷ و ۲ و ۵۷/۱۲/۲۹، شماره‌ی ۱۰۶۶۶، صص. ۲ و ۷ و ۵۸/۱/۶، شماره‌ی ۱۰۶۶۷، صص. ۱ و ۶.
۷. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱/۶، شماره‌ی ۱۰۶۶۷، صص. ۱ و ۶.
۸. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱/۷، شماره‌ی ۱۰۶۶۸.
۹. روزنامه‌ی اطلاعات ۵۸/۱/۹.
۱۰. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۲/۱، شماره‌ی ۱۰۶۸۸، صص. ۲ و ۷.
۱۱. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۲/۲، شماره‌ی ۱۰۶۸۹، صص. ۱ و ۲ و ۷.
۱۲. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۲/۳، شماره‌ی ۱۰۶۹۰، صص. ۱ و ۷.
۱۳. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۲/۵، شماره‌ی ۱۰۶۹۲، ص. ۱؛ و ۵۸/۲/۶، شماره‌ی ۱۰۶۹۳، ص. ۷؛ و ۵۸/۲/۸، شماره‌ی ۱۰۶۹۴، ص. ۷.
۱۴. روزنامه‌ی آیندگان ۱۳۵۸/۲/۱۹.
۱۵. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۴/۱۴، شماره‌ی ۱۰۷۵۰، صص. ۱ و ۲.
۱۶. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۴/۲۴، شماره‌ی ۱۰۷۵۷.
۱۷. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۴/۳۰، شماره‌ی ۱۰۷۶۲، ص. ۱۱.
۱۸. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۴/۳۱، شماره‌ی ۱۰۷۶۳، صص. ۱ و ۲.
۱۹. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۵/۶، شماره‌ی ۱۰۷۶۸، ص. ۹.
۲۰. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۵/۲۵، شماره‌ی ۱۰۷۵۷ و ۵۸/۱۱/۲۱، شماره‌ی ۱۰۹۲۶.

۲۱. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۵/۲۸، شماره‌ی ۱۰۴۸۵ و ۵۸/۶/۳ شماره‌ی ۱۰۷۹۰.
۲۲. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۵/۲۸ شماره‌ی فوق‌العاده‌ی ۱۰۷۸۵.
۲۳. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۶/۱، شماره‌ی ۱۰۷۸۹، ص. ۳.
۲۴. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ۵۸/۶/۸ شماره‌ی ۷۶، صص. ۲ و ۱، و روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۶/۷ شماره‌ی ۱۰۷۹۴، ص. ۳.
۲۵. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۶/۴، شماره‌ی ۱۰۷۹۲، ص. ۲.
۲۶. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۶/۶، شماره‌ی ۱۰۷۹۳، ص. ۲.
۲۷. چمران، مصطفی، کُردستان، تهران: انتشارات بنیاد شهید چمران، ۱۳۶۱، ص. ۳۳.
۲۸. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۶/۶.
۲۹. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۶/۹.
۳۰. روزنامه‌ی کیهان ۱۳۵۸/۶/۱۱.
۳۱. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۶/۳ شماره‌ی ۱۰۷۹۰، ص. ۲ و ۵۸/۶/۶، شماره‌ی ۱۰۷۹۳، ص. ۳.
۳۲. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۶/۷ شماره‌ی ۱۰۷۹۴، صص. ۲ و ۱، و ۵۸/۶/۱۰، شماره‌ی ۱۰۷۹۶، ص. ۲.
۳۳. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ۵۸/۶/۱۰، شماره‌ی ۷۷، ص. ۹.
۳۴. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ۵۸/۶/۱۲، شماره‌ی ۷۹، ص. ۲ و ۵۸/۶/۳۱ شماره‌ی ۹۳، ص. ۴ و روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۶/۳۱، شماره‌ی ۱۰۸۱۲، ص. ۲.
۳۵. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۶/۱۲، شماره‌ی ۱۰۷۹۸، ص. ۳.
۳۶. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۶/۲۱، شماره‌ی ۱۰۸۰۵، ص. ۱.
۳۷. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۷/۵، شماره‌ی ۱۰۸۱۷، صص. ۳ و ۲.
۳۸. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۷/۱۷، شماره‌ی ۱۰۸۲۶، ص. ۱۲ و ۵۸/۷/۱۸ شماره‌ی ۱۰۸۲۷، صص. ۱ و ۲ و ۳ و ۵۸/۷/۱۹ شماره‌ی ۱۰۸۲۸، صص. ۱ و ۲.
۳۹. روزنامه‌ی اطلاعات ۱۳۵۸/۷/۱۳ و روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۷/۱۹.
۴۰. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۷/۲۵ شماره‌ی ۱۰۸۳۴ و ۵۸/۷/۲۹ شماره‌ی ۱۰۸۳۶.
۴۱. روزنامه‌ی کیهان ۱۳۵۸/۷/۲۵.
۴۲. روزنامه‌ی کیهان ۱۳۵۸/۷/۲۹ شماره‌ی ۱۰۸۳۶ و ۵۸/۷/۳۰ شماره‌ی ۱۰۸۳۷.
۴۳. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۱ شماره‌ی ۱۰۸۳۸ و ۵۸/۸/۵ شماره‌ی ۱۰۸۴۱.
44. <http://www.meisami.com/Cheshm/Special/Kord-estan01/cord-8.htm>
(به نقل از: لوموند، ۲۵ / ۱۰ / ۱۹۷۹ مطابق ۴ آبان ۱۳۵۸).
۴۵. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۶ شماره‌ی ۱۰۸۴۲ و ۵۸/۸/۷ شماره‌ی ۱۰۸۴۳.
۴۶. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۷/۲۱ شماره‌ی ۱۰۸۹۲، ص. ۱ و ۵۸/۷/۲۲ شماره‌ی ۱۰۸۳۰، صص. ۲ و ۱۲.
۴۷. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۷/۳۰ شماره‌ی ۱۰۸۳۷، ص. ۲.
۴۸. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ۵۸/۸/۱ شماره‌ی ۱۱۹، ص. ۲ و روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۲، شماره‌ی ۱۰۸۹۳، ص. ۱۱.
۴۹. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۷، شماره‌ی ۱۰۸۴۳، ص. ۱۱.
۵۰. پیشین.
۵۱. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ۵۸/۸/۸، شماره‌ی ۱۲۵، ص. ۲.
۵۲. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۶، شماره‌ی ۱۰۸۴۲، ص. ۱ و ۵۸/۸/۸، شماره‌ی ۱۰۸۴۴، ص. ۲ و ۵۸/۸/۹ شماره‌ی ۱۰۸۴۵، صص. ۱۱ و ۱۰.
۵۳. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۶، شماره‌ی ۱۰۸۴۲، ص. ۲.
۵۴. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۱۲، شماره‌ی ۱۰۸۴۶، ص. ۲ و ۵۸/۸/۱۳، شماره‌ی ۱۰۸۴۷، ص. ۳ و ۵۸/۸/۱۹، ص. ۳ و روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ۵۸/۸/۱۳، صص. ۱ و ۲.
۵۵. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۱۲، شماره‌ی ۱۰۸۴۶، ص. ۱.
۵۶. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۱۴، شماره‌ی ۱۰۸۴۸ و ۵۸/۸/۱۵، شماره‌ی ۱۰۸۴۹، ص. ۱.
۵۷. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۱۶، شماره‌ی ۱۰۸۵۰، ص. ۱.
۵۸. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۱۶، شماره‌ی ۱۰۸۵۰، ص. ۱۱.
۵۹. خمینی، روح‌الله، صحیفه‌ی امام، تهران: موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۱، ج. ۱۰، ص. ۱۴۶.
60. <http://www.meisami.com/Cheshm/Special/Kord-estan01/cord-8.htm>
(به نقل از: هرالدرتربییون ۱۹۷۹/۱۱/۳ مطابق ۱۵ آبان ۱۳۵۸).
۶۱. ماهنامه‌ی چشم‌انداز ایران، ویژه کُردستان، شماره‌ی یک، ص. ۶۶.

۶۲. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۱۷ شماره‌ی ۱۰۸۵۱، ص. ۱۱.
۶۳. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۲۰، شماره‌ی ۱۰۸۵۳، ص. ۱۱.
- و ۵۸/۸/۲۱ شماره‌ی ۱۰۸۵۴، ص. ۲.
۶۴. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۲۶، شماره‌ی ۱۰۸۵۸ و مأخذ ۵۹، ص. ۱۹۷.
۶۵. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۲۷، شماره‌ی ۱۰۸۵۹ و ۵۸/۸/۲۸ شماره‌ی ۱۰۸۶۰ و ۵۸/۸/۳۰ شماره‌ی ۱۰۸۶۲.
۶۶. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۹/۱، شماره‌ی ۱۰۸۶۳.
۶۷. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۹/۴، شماره‌ی ۱۰۸۶۵.
۶۸. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۹/۷، شماره‌ی ۱۰۸۶۸.
۶۹. پیشین.
۷۰. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۸/۱۲، شماره‌ی ۱۰۸۷۰.
۷۱. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۹/۱۳، شماره‌ی ۱۰۸۷۱.
۷۲. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۹/۲۴، شماره‌ی ۱۰۸۸۰.
۷۳. ماهنامه‌ی چشم‌انداز ایران، ویژه‌ی گُردستان، شماره‌ی دو.
۷۴. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۹/۲۹، شماره‌ی ۱۰۸۸۵.
۷۵. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۹/۲۹، شماره‌ی ۱۰۸۸۵.
۷۶. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۰/۸، شماره‌ی ۱۰۸۹۲.
۷۷. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۰/۹، شماره‌ی ۱۰۸۹۳ و ۵۸/۱۰/۱۰، شماره‌ی ۱۰۸۹۴.
۷۸. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۰/۱۲، شماره‌ی ۱۰۸۹۶.
۷۹. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۰/۱۶، شماره‌ی ۱۰۸۹۹ و ۵۸/۱۰/۱۷، شماره‌ی ۱۰۹۰۰.
۸۰. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۰/۹، شماره‌ی ۱۰۸۹۳ و ۵۸/۱۱/۸، شماره‌ی ۱۰۹۱۶.
۸۱. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۰/۱۸، شماره‌ی ۱۰۹۰۱، ص. ۱ و ۵۸/۱۰/۲۳، شماره‌ی ۱۰۹۰۳، ص. ۳.
۸۲. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۰/۲۲، شماره‌ی ۱۰۹۰۳.
۸۳. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۰/۲۰، شماره‌ی ۱۰۹۰۲.
۸۴. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۰/۲۳، شماره‌ی ۱۰۹۰۴ و ۵۸/۱۰/۲۴، شماره‌ی ۱۰۹۰۶، ص. ۱۱.
۸۵. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۰/۲۶، شماره‌ی ۱۰۹۰۷.
۸۶. پیشین.
۸۷. پیشین.
۸۸. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۱/۸، شماره‌ی ۱۰۹۱۶.
۸۹. پیشین.
۹۰. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۱/۹، شماره‌ی ۱۰۹۱۷.
۹۱. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۱/۱۱، شماره‌ی ۱۰۹۱۹.
۹۲. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۱/۱۳، شماره‌ی ۱۰۹۲۰.
۹۳. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۱/۱۴، شماره‌ی ۱۰۹۲۱ و ۵۸/۱۱/۲۴، شماره‌ی ۱۰۹۲۸.
۹۴. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۲/۱۲، شماره‌ی ۱۰۹۴۳.
۹۵. ماهنامه‌ی چشم‌انداز ایران، ویژه‌ی گُردستان، شماره‌ی دو، ص. ۹.
۹۶. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۲/۲۰، شماره‌ی ۱۰۹۵۰ و ۵۸/۱۱/۲۱، شماره‌ی ۱۰۹۵۱.
۹۷. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۲/۲۱، شماره‌ی ۱۰۹۵۱، ص. ۳ و روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ۵۸/۱۲/۲۱، شماره‌ی ۲۳۲، ص. ۵.
۹۸. روزنامه‌ی کیهان ۵۸/۱۲/۲۵، شماره‌ی ۱۰۹۵۴ و ۵۸/۱۱/۲۶، شماره‌ی ۱۰۹۵۵.
۹۹. روزنامه‌ی کیهان ۵۹/۱/۶، شماره‌ی ۱۰۹۵۸.
۱۰۰. روزنامه‌ی کیهان ۵۹/۱/۷، شماره‌ی ۱۰۹۵۹.
۱۰۱. پیشین.
۱۰۲. روزنامه‌ی کیهان، ۵۹/۱/۱۱، شماره‌ی ۱۰۹۶۲.
۱۰۳. روزنامه‌ی کیهان، ۵۹/۱/۱۴، شماره‌ی ۱۰۹۶۳.
۱۰۴. پیشین و روزنامه‌ی کیهان ۵۹/۱/۱۶، شماره‌ی ۱۰۹۶۴.
۱۰۵. روزنامه‌ی کیهان ۵۹/۱/۱۸، شماره‌ی ۱۰۹۶۶.
۱۰۶. روزنامه‌ی کیهان ۵۹/۱/۳۰، شماره‌ی ۱۰۹۷۶، ص. ۲.
۱۰۷. روزنامه‌ی کیهان ۵۹/۱/۳۱، شماره‌ی ۱۰۹۷۷، ص. ۹.
۱۰۸. پیشین، ص. ۱۲ و ۵۹/۱/۳۱، شماره‌ی ۱۰۹۷۷، صص. ۳ و ۱۰۹.
- روزنامه‌ی کیهان ۵۹/۱/۳۱، شماره‌ی ۱۰۹۷۷ و ۵۹/۲/۱، شماره‌ی ۱۰۹۷۸.
۱۱۰. روزنامه‌ی کیهان ۵۹/۲/۳، شماره‌ی ۱۰۹۸۰.